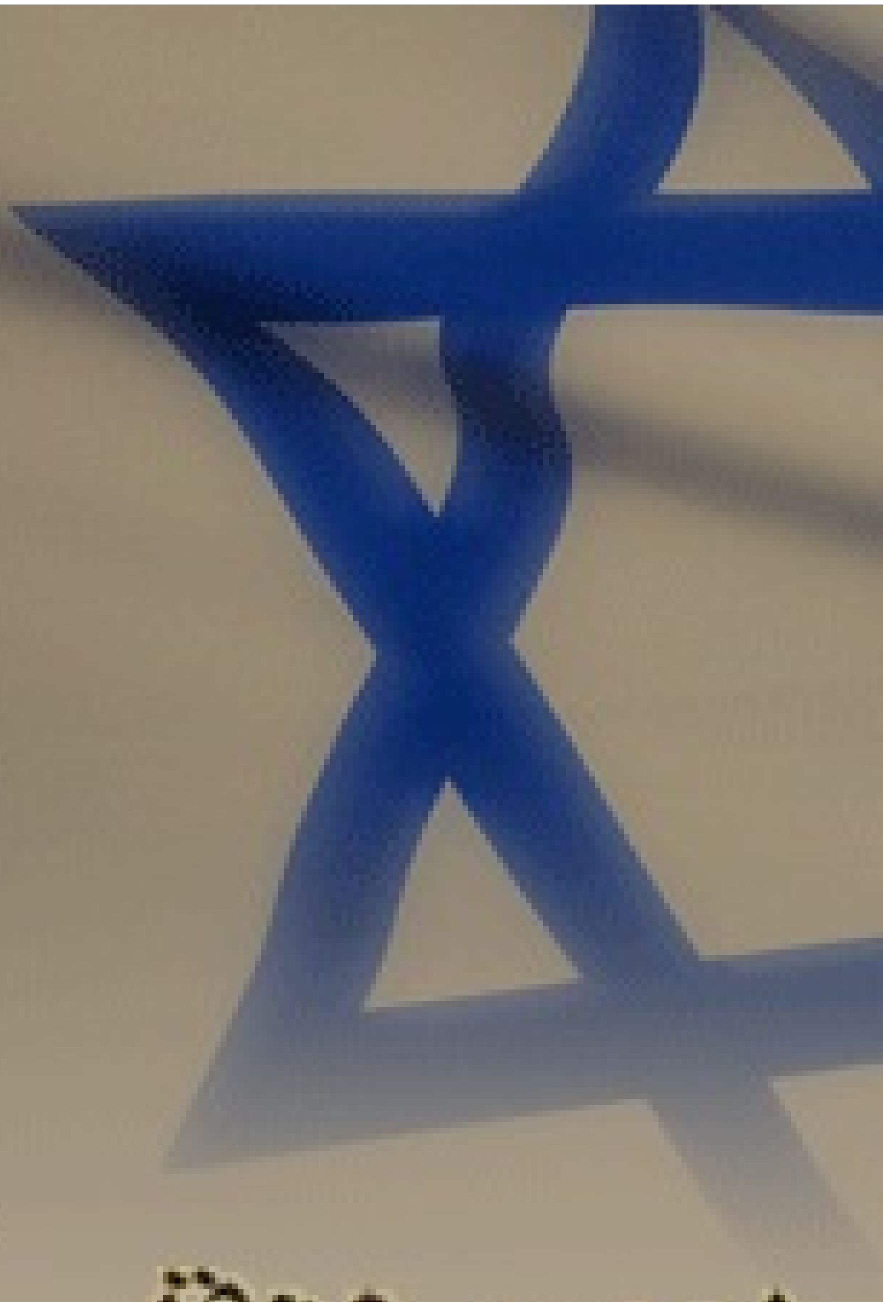


محمود قوچانی

بررسی و نقد فرقه‌ی بهائیت

بسم الله الرحمن الرحیم

بررسی و نقد فرقه بهاییت

نویسنده:

محمود قوچانی

ناشر چاپی:

Ansariyan

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
بررسی و نقد فرقه بهاییت ----- ۶
مشخصات کتاب ----- ۶
تاریخی آکنده از فساد و وابستگی ----- ۶
انشعاب و اختلاف در بهائیت ----- ۶
موضع‌گیری دولت‌های استکباری در قبال بهائیان ----- ۷
روسیه تزاری ----- ۷
انگلیس ----- ۸
امریکا ----- ۹
اسرائیل ----- ۹
نفوذ در مراکز دولتی و مداخله در امور سیاسی ----- ۱۰
پاورقی ----- ۱۱
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ----- ۱۱

بررسی و نقد فرقه بهاییت

مشخصات کتاب

مؤلف: محمود قوچانی

تاریخی آکنده از فساد و وابستگی

فاصله و مغایرتی که میان کشورهای استعماری و کشورهای تحت سلطه در اندیشه و منش وجود داشته"، تاثیرگذاری "را به عنوان اولویت نخست آن‌ها مطرح کرده و چگونگی تحقق آن، همچون یک دستور کار، همواره توان فکری و عملی آنان را به خود مشغول کرده است. فرقه‌گرایی به جهت فقدان اصالت و پیوستگی با بیگانگان، اهرمی مورد اعتنا در این مسیر تلقی شده است و از همین‌رو، فرقه‌هایی چون بهائیت مورد توجه، نفوذ و استفاده قدرت‌های استعماری اعم از شرقی و غربی بوده‌اند. مقاله پیش رو با استفاده از کتاب مشهور اسماعیل رائین" انشعاب در بهائیت "مروری بر این موارد دارد. اسماعیل رائین، روزنامه‌نگار و مورخ آثار آشنای عصر پهلوی است که آثار متعددی در رشته تاریخ معاصر ایران دارد، اما شهرت وی عمدتاً مرهون تحقیقات گسترده‌ای است که در موضوع فراماسونری در ایران و جهان دارد و کتاب سه جلدی او": فراموشخانه و فراماسونری در ایران، "در زمان انتشار خود، اثری نو و بی‌بدیل در این زمینه محسوب می‌گشت". انشعاب در بهائیت پس از مرگ شوقی ربّانی، ["۱] یکی از آخرین آثار تحقیقی رائین است که به موضوع بهائیت (و بابیت) و پیوندهای استعماری و اختلافات داخلی آن اختصاص دارد. اسماعیل رائین در این کتاب سعی کرده است به دور از تعصب و گرایش فکری خاص، جریان بهائیت را با ارائه اسناد و مدارک معتبر در سه محور کلی بررسی کند: ۱- انشعاب و اختلاف در بین بهائیان؛ ۲- موضع‌گیری کشورهای روسیه، انگلیس، امریکا و اسرائیل در قبال آن‌ها؛ ۳- نفوذ در مراکز دولتی و مداخله در امور سیاسی.

انشعاب و اختلاف در بهائیت

محور اصلی کتاب رائین، نشان دادن اختلافات و انشعاباتی است که در این فرقه به وجود آمده است. این نکته از آن رو شایان اهمیت است که گویی انشعاب و دسته‌بندی، از آغاز، جزئی تفکیک‌ناپذیر از بهائیت و بهائی‌گری بوده است، کما اینکه هنوز سیزده سال از مرگ میرزا علی‌محمد شیرازی (باب) نمی‌گذشت که اولین انشعاب کلان، با پیدایش فرقه‌های بهائی و ازلی در این جمع آغاز شد، و افرادی را که تا دیروز دست در دست یکدیگر در برابر قوای دولتی و همه جامعه می‌ایستادند و کشته می‌دادند، به دو دسته کینه‌توز و دشمن مبدل ساخت که همه نیروی خود را صرف انهدام یکدیگر می‌کردند و گاه با خوراندن سم یا سوء قصدهای گوناگون به حریف، یکدیگر را از میان برمی‌داشتند. کار جدایی و افتراق بدانجا کشید که حتی گروهی، روحیه ماکسول را متهم کردند که وی شوهر خود (شوقی ربانی) را مسموم کرده است. نویسنده" تاریخ و نقش سیاسی رهبران بهائی "نوشته است: "احمد سهراب از فرمان شوقی سرباز زد و وصیت‌نامه (انتصاب شوقی به جانشینی عبدالبهاء) را ساختگی تلقی نمود و طرفدارانی پیدا کرد که به نام سهرابیان نامیده می‌شوند و بهائیان امریکا عموماً پیرو او می‌باشند. پس از مرگ شوقی نیز شخصی به نام میسن ریمی که شوقی او را به لقب پرزیدنت مفتخر نموده ادعا نمود که (ولی امرالله) می‌باشد و طرفدارانی در برخی کشورها پیدا کرد. جمشید معانی در اندونزی ادعای جدید نمود و خود را (سماءالله) نامید. بنابراین فرقه‌های ذیل را از بدو پیدایش میرزا علی‌محمد باب تاکنون می‌توان نام برد: بابی، ازلی، بیانی، مرآتی، بهائی، ثابتین، ناقضین، سهرابی، طرفداران میسن ریمی، جمشیدی و ["... ۲]

. همین اختلاف‌نظرها و تشتت آرا، همراه دیگر عوامل، باعث شد بهائیت که خود را دین و آیین تازه‌ای می‌داند، و نخستین ویژگی یک آیین اعلام آن و تبلیغ در میان گروه‌های مختلف مردم است، به صورت جامعه‌ای بسته و نیمه‌سری درآید. میسن ریمی که خود را جانشین شوقی ربانی، و دومین ولی امر، می‌دانست نوشته است": لازم می‌داند که حقایق مودعه‌ای را که جنبه عمومی داشته و در عین حال سری نباشد، به استماع یاران جامعه سامیه بین‌المللی بهائی برساند. درحالی‌که به هیچ عنوان چنین قصدی ندارم که مقاصد و مطالبی را که جنبه سری داشته باشد در معرض افکار عمومی اهل بهاء قرار دهم؛ زیرا در ارض اقدس در این اوان هیأت ایادیان اکثراً و بالاتفاق مصمم گردیدند که کلیات تصمیمات و اقداماتی که معمول می‌دارند بایستی صرفاً جنبه سرّی داشته و غیر از بیست و هفت نفس ایادیان، در خارج میان مؤمنین و مؤمنات و به‌طور کلی جامعه امر به هر عنوان بسط و توسعه نیافته و افشاء نگردد". [۳].

موضع‌گیری دولت‌های استکباری در قبال بهائیان

روسیه تزاری

چندی بعد از اعدام باب در تبریز، سه تن از بهائیان به ناصرالدین‌شاه سوء قصد کردند، ولی این سوءقصد، نافرجام ماند و مرتکبان آن، دستگیر شدند. حسینعلی بهاء در آن زمان نهایت کوشش را به کار برد تا مداخله خود را در امر سوء قصد انکار کند، ولی پناهنده شدن او به سفارت روس و حمایت علنی سفیر روسیه تزاری از وی سبب شد شاه ایران، مهد علیا (مادر شاه) و سایر درباریان بیشتر به وی مظنون شوند و طرح توطئه سوء قصد را از جانب او بدانند. در تاریخ" نبیل زرندی ("این تاریخ از آن رو اهمیت دارد که اکثر صفحات آن، نقل قول از خاطرات عبدالبهاء می‌باشد، به ویژه آنکه تمام متن تاریخ را بعد از تکمیل، خود عبدالبهاء ملاحظه و تصویب نموده است.) چنین آمده است": حضرت بهاءالله سواره به سمت اردوگاه شاه، که در نیاوران بود، حرکت کردند، در بین راه به سفارت روس، که در زرگنده نزدیک نیاوران بود، رفتند. میرزا مجید، منشی سفارت روس، از او مهمانی و پذیرایی نمود، جمعی از خادمین حاجی علی‌خان حاجب‌الدوله [فراشباشی ناصرالدین‌شاه]، حضرت بهاءالله را شناختند و او را از توقف حضرت بهاءالله در منزل منشی سفارت روس آگاه ساختند... فوراً مأموری فرستاد تا بهاءالله را از سفارت تحویل گرفته به نزد شاه بیاورد. سفیر روس از تسلیم بهاءالله به مأمور شاه امتناع ورزید و به بهاءالله گفت که به منزل صدراعظم بروید و کاغذی به صدراعظم نوشت که باید بهاءالله را از طرف من پذیرایی کنی و در حفظ این امانت بسیار کوشش نمایی، و اگر آسیبی به بهاءالله برسد و حادثه‌ای رخ دهد شخص تو مسئول سفارت روس خواهی بود [". ۴] . شوقی ربانی، چهارمین پیشوای بهائیت، بعد از شرح واقعه گفته است...": سفیر روس از تسلیم بهاءالله امتناع ورزید و از هیکل مبارک تقاضا نمود که به خانه صدراعظم تشریف ببرند. ضمناً از مشارالیه به طور صریح و رسمی خواستار گردید امانتی را که دولت روس به وی می‌سپارد در حفظ و حراست او بکوشد [". ۵] . این اعترافات به روشنی نشان می‌دهد که نه تنها پرنس دالگورکی، سفیر روس، حامی بهائیان بوده، بلکه به طور کلی دولت روسیه تزاری از این فرقه حمایت می‌کرده است. پس از اینکه میرزا حسینعلی بهاء از سفارت روس به زندان منتقل شد، سفیر روس – که با استناد به مقررات کاپیتولاسیون از اتباع روس در ایران حمایت می‌کرد – به دفاع از او و تلاش برای نجات جانش برخاست. نویسنده بهائی نوشته است": قنسول [کذا] روس که از دور و نزدیک مراقب احوال بود و از گرفتاری بهاءالله خبر داشت پیغامی شدید به صدراعظم فرستاد و از او خواست که با حضور نماینده روس و حکومت ایران تحقیقات کامل درباره بهاءالله به عمل آید... و حکم نهایی درباره آن محبوس بزرگوار اظهار گردد... و در نتیجه بهاءالله از حبس خلاص شدند [". ۶] . امان‌الله شفا (بهائی مستبصر) نوشته است": وقتی رابطه بهاءالله با آقای کینیاز دالگورکی برای دولت ایران آفتابی شد، دیگر دولت روس نمی‌توانست از وجود بهاءالله

در ایران برای ادامه برنامه خود استفاده نماید، و از طرفی اگر ایشان در ایران می‌ماند، ممکن بود به دست مسلمانان کشته شود، این چند موضوع سبب شد که جناب سفیر نقشه دیگری بریزد، مقدمات اعزام وی را به جانب دیگر فراهم ساخت، و با وسایلی آنچنان صحنه‌سازی نمود که میرزا حسینعلی از ایران تبعید گردد، تا در خارج بهتر بتواند به وسیله آن وجود نازنین به هدف‌های خویش نایل شود ["…. ۷] .

انگلیس

در مورد مناسبات انگلیس – و کلاً قدرت‌های استعماری – با باب و بابیگری، دو نظر مختلف بین پژوهشگران وجود دارد. گروهی ظهور فرقه باب را از اساس، بر ساخته بیگانگان می‌شمارند و گروه دیگر، مداخله قدرت‌های خارجی در این جریان را، پس از پیدایش و گسترش آن می‌دانند. اما هر دو گروه در این نکته اتفاق نظر دارند که پس از ظهور باب و ایجاد آشوب توسط پیروان وی در نقاط مختلف ایران (نظیر مازندران، یزد و زنجان)، قدرت‌های بیگانه (که همواره در پی ماهی گرفتن از آب گل‌آلودند و نان اختلاف و آشوب بین ملت‌ها و دولت‌ها را می‌خورند) وارد عمل شدند و هر یک به شیوه خاص خود، کوشیدند از این فرقه به سود خویش بهره گیرند. در سال ۱۸۵۰ م که در شهر یزد بلوای خونینی توسط بابیان به وقوع پیوست و به فرار حاکم شهر و پناه بردن او به ارگ دولتی منجر شد، نخستین گزارش نماینده دولت انگلیس در ایران به وزارت امورخارجه آن کشور ارسال گردید که نکته ظریفی را بیان می‌کرد": اگر اصول عقاید این واعظ (میرزا علی‌محمد باب) که چیز تازه‌ای در بر ندارد، به حال خود گذاشته شود، بدون شک بی‌اهمیت بودنش معلوم خواهد شد و رو به زوال خواهد گذاشت، تنها شکنجه و عقوبت است که می‌تواند آنان را از افول و خفت نجات بخشد ["…. ۸] . در قضیه سوءقصد به ناصرالدین‌شاه، نماینده انگلیس طی گزارشی که در آن فرقه باب را هم معرفی کرده، چنین گفته است": در کمال اعتماد و اطمینان، تصور و تأیید می‌شود که سوءقصد نسبت به شاه از انتقام بابی‌ها سرچشمه می‌گیرد [". ۹] یکی از متهمان اصلی این سوءقصد، شخص حسینعلی بهاء (مؤسس بعدی" بهائیت) "بود که به همین اتهام، دستگیر و به زندان افکنده شد، ولی – چنان که گذشت – با پا در میانی جدی سفیر روسیه از زندان و مرگ نجات یافت و به عراق تبعید شد. پس از انشعاب بابیه به دو گروه بهائی (اتباع حسینعلی بهاء) و ازلی (اتباع یحیی صبح ازل، برادر بهاء) و تبعید بهائیان توسط دولت عثمانی به عکای فلسطین، تدریجاً انگلیسی‌ها با بهائیان ارتباط برقرار کردند و به ویژه در اواخر دوران جنگ جهانی اول (که امپراتوری روسیه از بین رفت) انگلیسی‌ها به حمایت از بهائیان برخاستند. مهم‌ترین اقدامی که در این ایام انجام شد، دادن لقب" سر "و نشان" نایت هود "از طرف دولت انگلیس به فرزند و جانشین بهاء، عبدالبهاء، بود. شوقی ربانی در این باره گفته است": پس از اختتام جنگ (جنگ جهانی اول) و اطفای نایره حرب و قتال، اولیای حکومت انگلستان از خدمات گران‌بهایی که حضرت عبدالبهاء در آن ایام مظلم نسبت به ساکنین ارض اقدس و تخفیف مصائب و آلام مردم آن سرزمین مبذول فرموده بودند، در مقام تقدیر برآمدند و مراتب احترام و تکریم خویش را با تقدیم لقب" نایت هود "و اهدای نشان مخصوص از طرف دولت مذکور حضور مبارک ابراز داشتند [". ۱۰] عبدالبهاء نیز در تأیید دولت انگلیس لوحی صادر کرده که رونوشت آن در جلد سوم کتاب مکاتیب عبدالبهاء آمده است. وی در نامه‌ای برای امپراتوری انگلیس، این‌چنین دست به دعا برداشته است": اللهم ایّد الامپراطور الاعظم جورج الخامس انگلترا بتوفیقاتک الرحمانیه، و ادم ظلّها الضلیل علی هذه الاقلیم الجلیل بعونک و صونک و حمایتک، انک انت العزیز الکریم [". ۱۱] یعنی": پروردگارا امپراتور بزرگ، ژرژ پنجم، پادشاه انگلستان را به توفیقات رحمانی خود مؤید بدار و سایه بلندپایه آن کشور را بر این منطقه به یاری و حمایت خویش مستدام بدار. تو نیرومند و عالی و عزیز و کریم می‌باشی! "در جنگ جهانی اول، بهائیت علیه عثمانی‌ها با ارتش انگلیس در سرزمین فلسطین همکاری کردند و متقابلاً انگلیسی‌ها مجدّانه از جان عبدالبهاء و خویشاوندان او (در برابر عثمانی‌ها) حمایت نمودند. این مطلب در نوشته شوقی چنین آمده است…":

احبّای انگلستان چون بر خطرات شدیده‌ای که حیات مبارک (عبدالبهاء) را تهدید می کرد اطلاع یافتند، بلادرنگ برای تأمین سلامت آن وجود اقدس، اقدامات و مساعی لازمه را مبذول داشتند. لرد کرزن و سایر اعضای کابینه انگلستان نیز رأساً و مستقیماً از وضع مخاطره‌آمیز حیفا استحضار حاصل نمودند. از طرف دیگر لرد لامینگتون با ارسال گزارش فوری و مخصوص به وزارت‌خارجه آن کشور، نظر اولیای امور را به شخصیت و اهمیت مقام عبدالبهاء جلب نمود. و چون این گزارش به لرد بالفور، وزیر امورخارجه وقت رسید، در همان یوم وصول، دستور تلگرافی به جنرال آلنبی، سالار سپاه انگلیس در فلسطین، صادر و تأکید نمود که به جمع قوی در حفظ و صیانت حضرت عبدالبهاء و عائله و دوستان او بکوشد [".... ۱۲] ارتباط بین بهائیان و انگلیسی‌ها به جایی رسید که پیشوای بهائیت" جان افراد ایرانی را نیز فدای انگلستان "می کرد. عباس افندی در سفر به انگلیس نوشته است": خوش آمدید، خوش آمدید، اهالی ایران بسیار مسرورند از اینکه من آمدم اینجا و الفت بین ایران و انگلیس است. ارتباط تام حاصل می‌شود و نتیجه به درجه‌ای می‌رسد که به زودی افراد ایران جان خود را برای انگلیس فدا می کنند، و همین‌طور انگلیس خود را برای ایران فدا می‌نماید، از اصل، ملت ایران و انگلیس یکی بودند ["،.... ۱۳] .

امریکا

عباس افندی، هنگامی که امریکا را صاحب نفوذ و پیشرفت سریع یافت، به جانب آن روی آورد. او در سفر به امریکا گفته است: "امشب من نهایت سرور دارم که در همچو مجمع و محفلی وارد شدم. من شرقی هستم، الحمدالله در مجلس غرب حاضر شدم و جمعی می‌بینم که در روی آنان نور انسانیت در نهایت جلوه و ظهور است ["... ۱۴] عباس افندی سپس امریکاییان را تشویق کرده است که به ایران هجوم آورند و در این کشور سرمایه‌گذاری کنند و به قول نویسنده ی" تاریخ و نقش سیاسی رهبران بهائی:" "آقای عباس افندی روزی تمامیت ارضی کشوری را می‌فروشد که هیچ‌گونه وابستگی بدان نداشته است. و روزی هم دندان طمع دیگران را نسبت به معادن کشور ایران تیز می‌نماید. هنگامی که به امریکا رفته بود، برای خوشامد آنان گفته: از برای تجارت و منفعت ملت امریکا ملکتی بهتر از ایران نه. چه، که مملکت ایران مواد ثروتش همه در زیر خاك پنهان است. امیدوارم ملت امریکا سبب شوند که آن ثروت ظاهر شود ["... ۱۵] . از طرف دیگر همان‌طور که شناسایی بهائیت ابتدا در امریکا آغاز شد، در به رسمیت شناختن موقوفات بهائی نیز همین قاره پیش قدم گردید. بدین‌ترتیب که بهائیان امریکایی موفق شدند در مدت کوتاهی عوارض و مالیات‌های موقوفات بهائی را لغو کنند و حتی تسهیلات و مساعدت‌هایی نیز برای بهائیانی که صرفاً به امور بهائیت مشغول بودند، به وجود آورند. به موجب موافقت‌نامه و اسنادی که در سال‌های ۱۹۲۸، ۱۹۲۹، ۱۹۳۵، ۱۹۳۸، ۱۹۳۹، ۱۹۴۱ و ۱۹۴۲ به تصویب فرمانداران ایالات مختلف رسید، موقوفات بهائی به‌نام" محفل مرکزی بهائیان امریکا "یا" رفقای جامعه بهائیت "ثبت شد. [۱۶] .

اسرائیل

دوران رهبری شوقی افندی (نوه و جانشین عبدالبهاء) در زمان سیطره و" قیمومت "تحمیلی انگلیس بر مردم فلسطین (۱۹۲۰-۱۹۴۸) و سپس تشکیل حکومت غاصب اسرائیل (۱۹۴۸) گذشت. شوقی، که در حیفا (از شهرهای فلسطین اشغالی) می‌زیست، با این دو حکومت، روابط صمیمانه داشت و متقابلاً ـ از حمایت‌های بی‌دریغ آن دو برخوردار بود. برقراری روابط صمیمانه با دشمنان ملت مسلمان و ستمدیده فلسطین توسط شوقی، دلایل و علل گوناگونی داشت که یکی از آن‌ها، کینه عمیق او نسبت به مسلمانان بود که از عصر باب و بهاء به او به ارث رسیده بود و در نوشته‌های او - به ویژه" لوح قرن - "کاملاً بازتاب دارد. بابیان و بهائیان به علت درگیری‌های سخت و خونینی که از همان آغاز پیدایش، با مسلمانان (در ایران) داشتند با پیروان این آیین بیش از دیگران

کینه‌توزی می‌کردند و هنوز هم می‌کنند. در گزارش نماینده انگلیس در ایران به وزارت‌خارجه آن کشور آمده": گرویدن به بابیگری صحیح است، ولی اعمال زور مجاز نیست مگر به مسلمانان که قتلشان در همه موارد مجاز می‌باشد، زیرا آن‌ها دشمنان باب و مریدانش هستند، و همچنین افول مذهب اسلام تقدیر آسمانی است [". ۱۷] لذا چهارمین پیشوای بهائیت درصدد برآمد با استفاده از اختلافات دیرین مسلمانان و یهودیان، سرزمین اسرائیل را مرکز اصلی بهائیان قرار دهد و دولت یهود را به صورت پناهگاه بلکه تکیه‌گاه جهانی این فرقه درآورد. از طرف دیگر از مظاهر دشمنی دیرین یهودیان نسبت به مسلمانان این بود که از هر نیروی ضد اسلامی حمایت می‌کردند، مخصوصاً که سرزمین اسرائیل در محاصره کشورهای اسلامی قرار داشت (و هنوز هم دارد)، لذا مسلک بهائیت را جزء مذاهب رسمی در کشور اسرائیل قرار دادند، ضمن اینکه، جلب سرمایه‌داران بزرگ - که بهائیان و مخصوصاً رهبران این فرقه - در رأس آن‌ها قرار داشتند و طبعاً سرمایه‌های خود را در این سرزمین نوبنیاد به کار می‌انداختند، به سود حکومت جدیدالتأسیس اسرائیل بود. اگر مجموعه این عوامل به تدفین رهبران بهائی در این سرزمین افزوده شود - که خود مرکز مقدسی برای بهائیان می‌شود و هر سال گروه‌های کثیری را با سرمایه‌های کلان و مخارج گزاف به سوی این سرزمین سرازیر می‌کند - انگیزه تفاهم فوق‌العاده بهائیان و اسرائیلیان بیشتر و بهتر درک می‌گردد. شوقی ربانی طی نقشه ده‌ساله خود ضمن هدف بیست‌وچهارم، حمایت از دولت اسرائیل را بر همه دولت‌های جهانی ترجیح داده و به بهائیان توصیه کرده است که در تأسیس شعب محافل روحانی و ملی بهائیان فقط... ": در ارض اقدس بر حسب قوانین و مقررات حکومت جدیدالتأسیس اسرائیل... این‌گونه محافل را به‌وجود آورید [". ۱۸] اما وقتی به بهائیان ممالک ایران، عراق، انگلستان و آلمان برای تشکیل شعب محافل روحانی و ملی را توصیه نمود، هیچ‌گاه به رعایت قوانین و مقررات این ممالک اشاره نکرده است.

نفوذ در مراکز دولتی و مداخله در امور سیاسی

بهائیان از آغاز فعالیت‌های خود، طی تبلیغاتی که می‌کرده‌اند و هنوز هم می‌کنند، شرکت در امور سیاسی را برای عموم پیروان خود ممنوع اعلام کرده و آنان را از مداخله در سیاست محروم ساخته‌اند، تا آنجا که حتی شرط ورود و حضور افراد در جامعه بهائیت را همین امر قرار داده‌اند. اما از همان روزی که پس از اعدام باب، به ناصرالدین‌شاه سوءقصد شد تا به امروز، کار بهائیان خواه ناخواه، با سیاست پیوند خورده و بارها این امر به اثبات رسیده است که بهائیان ایران، در امور مختلف سیاست ایران مداخله کرده‌اند و مهم‌تر از آن، به گروه های سیاسی بین‌المللی بستگی دارند. از پناهنده شدن بهاءالله به سفارت روس پس از سوءقصد به ناصرالدین‌شاه و حمایت علنی سفیر و دولت روسیه از وی (که قبلاً بدان اشاره شد) تا حمایت‌های انگلیس و امریکا و خصوصاً رابطه میان اسرائیل و بهائیان، همگی نشان دهنده ورود این فرقه به عرصه سیاست است. پس از مرگ شوقی افندی، اختلافی که از مدت‌ها پیش بین زعمای بهائیت پیدا شده بود، خصوصاً بر سر تملک و تصاحب میراث او، یکباره از پرده بیرون افتاد و کار شکایت گروه‌های مخالف از یکدیگر حتی به محاکم قضایی و دادگستری نیز کشیده شد. اسماعیل رائین جزئیات یکی از این شکایت‌ها را همراه اسناد آن در کتاب خود آورده و نشان داده است که چگونه بهائیان با سندسازی و تبانی با مأموران دولتی، توانستند با مصالحه میراث شوقی به آقای دکتر علی‌محمد ورقا و سپس واگذاری آن اموال از طرف وی به شرکت امناء، میراث چند میلیاردی شوقی ربانی در ایران را - بدون اینکه حتی مالیات بر ارث یا مالیات بر دو صلح انجام‌شده را به دولت بپردازند - تصاحب کنند و در اختیار گروه مورد نظر خود قرار دهند. [۱۹] . در نمونه‌ای دیگر، مأموران ثبت، گورستان عمومی واقع در امیرآباد تهران (قبرستان گلستان جاوید) را که پلاک ۳۷۴۲ بخش ۳ تهران را داشت و به موجب نص صریح قوانین ثبتی متعلق به شهرداری تهران بود، به شرکت بهائیان (شرکت امناء) واگذار کردند، اما آن‌ها با وجود اعتراض شهرداری و شورای عالی ثبت، این گورستان را به قطعات متعدد تقسیم نمودند و به اشخاص مختلف فروختند. [۲۰] سند دیگری که آقای رائین از اعمال نفوذ بهائیان در مراکز دولتی ارائه

داده مربوط است به سرشماری عمومی آبان ۱۳۴۵. هر چند بهائیت در ایران به رسمیت شناخته نشده‌اند، در آن ایام سران آن با گرفتن پست‌های مهم دولتی، به همه پیروان این فرقه دستور دادند که هنگام پرسش آمارگران، مذهب خود را رسماً" بهائی "اعلام کنند. از طرف دیگر به دستور مسئولان امر، می‌بایست از ثبت عنوان" بهائی "در جدول مربوط به دین، خودداری می‌شد. با وجود این باز هم گروهی از افراد متعصب بهائی، مذهب خود را رسماً" بهائی "قید کردند. یک نمونه از فرم سرشماری را آقای رائین در کتاب خود آورده است که به خانواده آقای شاپور راسخ مربوط می‌باشد. در این فرم چهار نفر اعضای اصلی خانواده، دین خود را "بهائی "قید کرده‌اند و فقط مستخدم منزل، پیرو آیین اسلام بوده است. نکته جالب اینکه آقای شاپور راسخ که با چنین تعصبی، به رغم دستور دولت، مذهب خود را در برگ سرشماری" بهائی "قید کرده، سال‌ها ریاست مرکز سرشماری مرکز آمار ایران را عهده‌دار بوده است. [۲۱] .

پاورقی

[۱] اسماعیل رائین، انشعاب در بهائیت پس از مرگ شوقی ربانی، تهران، مؤسسه تحقیقی رائین، بی‌تا.

[۲] همان، صص۱۶-۱۵ (به نقل از: مرتضی احمدی، تاریخ و نقش سیاسی رهبران بهائی، چ سوم، ۱۳۴۶، ص۸۵).

[۳] همان، ص۱۹۹.

[۴] همان، صص۱۰۴-۱۰۳، به نقل از تاریخ نبیل زرندی.

[۵] همان، ص۱۰۶ (به نقل از: قرن بدیع، ج ۲، ص۱۵).

[۶] همان، ص۱۰۶ و ۱۰۷ (به نقل از: مرتضی احمدی، تاریخ و نقش سیاسی رهبران بهائی، همان، ص۵۳).

[۷] همان، ص۱۱۲ (به نقل از: نامه‌ای از سن پالو، ص۳۱۶).

[۸] همان، صص۳۹-۳۸.

[۹] همان، ص۶۵.]

[۱۰] همان، ص۱۱۸ (به نقل از: قرن بدیع، ج ۳، ص۳۹۹).

[۱۱] همان، ص۱۲۱.

[۱۲] همان، صص۱۲۲-۱۲۱.

[۱۳] همان، ص۱۲۳ (به نقل از: خطابات عبدالبهاء، سخنرانی در منزل میس کراپر، ج ۱، ۱۹۱۱).

[۱۴] همان، ص۱۲۴ (به نقل از: خطابات عبدالبهاء، ج اول، ص۳۳).

[۱۵] همان، ص۱۲۵-۱۲۴ (به نقل از: پرنس دالگورکی یا تاریخ و نقش سیاسی رهبران بهائی، ص۷۶).

[۱۶] همان، صص ۲۵۱-۲۴۶.

[۱۷] همان، ص۴۵.

[۱۸] همان، ص ۱۷۰ (به نقل از قرن بدیع، قسمت چهارم، ص۱۶۲).

[۱۹] همان، صص ۲۸۹-۲۶۰ و ۳۵۹-۳۱۷.

[۲۰] همان، صص ۲۶۴-۲۶۲ و ۲۷۷-۲۷۴ و ۲۹۳.

[۲۱] همان، صص۲۴۳-۲۴۲.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹